

# دل نوشته فوتبالی، صادق باشیم

دوستی از نزدیکان مسئولین فوتبال استان، در تماسی گفت: "به چه دلیل بیشتر نوشته‌هایت در مورد فوتبال است و کمتر به دیگر رشته‌ها می‌پردازی؟ به‌عنوان یک ورزش‌نویس باید از حق تمام رشته‌ها دفاع بکنی، پس چرا فقط به فوتبال اهمیت می‌دهی؟ این کار تو سؤال‌برانگیز می‌شود و شک و شبهه بر جای می‌گذارد."

به این رفیق‌ام گفتم: برادر عزیز بعد از نزدیک به پنجاه سال حضور در دنیای رسانه، باید بگویم که درگام اول حقیر یک فوتبال نویس است تا یک ورزش‌نویس. کار اصلی من پرداختن به فوتبال است. چه کسی می‌تواند ادعا بکند که در مورد همه رشته‌های ورزشی اطلاعات کامل و وافی دارد؟ برادر، من اگر در یک موردی از اطلاعات کافی برخوردار نیاشم، ورود نمی‌کنم. در مورد آن دسته از رشته‌های ورزشی که شناخت کافی ندارم، می‌توانم یک خبر بنویسم ولی تحلیل و یادداشت باید در مورد رشته‌ای باشد که از آن شناخت داشته باشم.

به او در ادامه گفتم: شک و تردیدی هم نداشته باش. با هیچ فرد و عزیزی، خدای‌ناکرده خصومت و دشمنی نداشته و شراکتی در مال و منال هم ندارم. خط‌قرمز همه کسانی که صادقانه به فوتبال فکر می‌کنند و به آن عشق می‌ورزند، فوتبال است و بس. هر فرد و هر مجموعه‌ای که به آن خدمت بکند، عزیز است و گرامی و هر احدی که در آن، علم‌رغم داشتن مسئولیت کوتاهی نماید و گنجشک رنگ‌کرده را به نام قناری به جامعه معرفی بکند، مورد سرزنش واقع می‌شود و باید جوابگو باشد.

این روزها عده‌ای بدجوری در تلاش هستند و به هر دری می‌زنند تا بلکه بتوانند به آنچه که می‌خواهند دست پیدا بکنند. یکی می‌خواهد رئیس بشود و دیگری دوست دارد رئیس باقی بماند. یکی دوست دارد مسئولیتی که در مجموعه فوتبال به دست آورده به هر قیمت و بهایی از دست ندهد و آن دیگری علاقه‌مند است که در جای او بنشیند و امر و نهی نماید. یکی عشق مطرح شدن و رسیدن به پست‌های حساس دارد و فوتبال را بهترین وسیله و مطمئن‌ترین نردبان تشخیص داده‌است و دیگری فوتبال را کم‌خرج‌ترین و آسان‌ترین راه برای معرفی شدن تلقی می‌کند و برای رسیدن به مسئولیتی در این حوزه برنامه‌ریزی کرده و وارد عرصه کارزار می‌گردد و یکی اجرای عدالت در فوتبال را نادیده می‌گیرد و صحنه آن را در اختیار خودی‌ها قرار می‌دهد و دیگری غصه فوتبال دارد و آرزوی رسیدن آن به اوج را در سر می‌پروراند.

نگارنده این سطور هم در وضعیتی است که جز فوتبال و سربلندی آن به چیز دیگری فکر نمی‌کند. نه هوای رئیس شدن در سر دارد و نه قانون اجازه آن را می‌دهد و نه از توان و قدرت کافی برای انجام وظیفه بهره می‌برد. نه منافعی در فوتبال دارد و نه به دنبال مدرسه، آکادمی و تیم‌های یکشبه تشکیل‌شده و خرید و فروش امتیاز و یا به طور کلی دلالتی در این صحنه است. اگر حرفی زده می‌شود و مطلبی بیان می‌گردد جز دلسوزی برای فوتبال چیز دیگری نیست. ناله آب از ناهمواری زمین است. مردانگی کنید و فوتبال را در مسیر درست و صحیح هدایت نمایید آن گاه خواهید دید که نمی‌توان روز روشن را شب نامید و خدمت را خیانت تلقی کرد.

هیچ‌چیز بی‌انگیزه و علت نیست. کسی که روزهای خوش فوتبال اردبیل را دیده‌است باید هم از مشاهده وضع موجود فریاد بزند و بر سر و سینه بکوبد. بیان واقعیت‌ها را به دشمنی با یک مجموعه تلقی نکنید و به جای برطرف کردن مشکلات و صرف انرژی در مسیر اصلاح امور، توان خود را در توهین به دیگران و فرو ریختن دیوار حرمت‌ها به کار نگیرید.

هر کسی که در سطح جامعه، قبول مسئولیت نماید باید دلی به وسعت دریا در مقابل انتقادات و تفسیرها و نظریات مختلف داشته باشد. در دنیای سیاست و در مسئولیت‌های بزرگ در جامعه جهت مقابله با منتقدین، گروه‌های مختلف ناشناس و آشنا تشکیل نمی‌شود، حرف‌ها را می‌شنوند و هر جا لازم باشد، پاسخ می‌دهند این سنت پسندیده متأسفانه در فوتبال فراموش‌شده و جای آن را مقابله با هزاران حرف و حدیث گرفته‌است. به جای تهمت زدن و حرف‌های بی‌پایه منتشر کردن، دلایل کافی ارائه کنیم و قضاوت نهایی را به مردم واگذار نماییم.

این امر برای هر دو طرف قضیه صادق است. منتقدین باید دلایل خود را در رد و یا تأیید یک موضوع به‌روشنی بیان کنند و طرف مقابل نیز به بند بند مشکلات پردازند و از کلی‌گویی پرهیز نمایند.

یکی دو مثال در این رابطه می‌تواند در تشریح این بحث مساعدت بکند. بعد از رونمایی از کتاب: "فوتبال اردبیل" و "خاطرات فوتبالی"، کانال تریبون آزاد مدعی شد که 20 میلیون تومان، اداره کل ورزش و جوانان به مؤلف کتاب هدیه داده‌است. این مطلب توسط یکی از چهره‌های شناخته‌شده و منتسب به برخی از حضرات به‌طور گسترده منتشر شد. هم اداره کل و هم مؤلف کتاب این ادعا را تکذیب کردند ولی تا به حال آقایان، نه مدرکی دال بر ادعای خود ارائه کرده‌اند و نه برای تکذیب و بیان هدف خود از انتشار آن اقدام نموده‌اند.

دومین مثال: بارها گفته شده که در هیئت فوتبال استان برخلاف اساسنامه 28 را با 35 مساوی تلقی می‌کنند. چه زیبا خواهد بود که دلیل این اقدام را بگویند و شفافسازی بکنند.

کسانی که بی‌دلیل و به‌خاطر هواداری از یک فرد و یا یک مجموعه، تهمت می‌زنند و قدرت خود را به نمایش می‌گذارند و دیوارهای اعتماد را یکی پس‌از دیگری خراب می‌کنند از سیلی روزگار بترسند. آن‌ها در هر موقعیتی که باشند فرقی نخواهد کرد، رئیس باشند و یا مرئوس، منتقد باشند و یا مسئول. رفتار خارج از چارچوب و اصول اخلاقی نشان می‌دهد که هنوز باد به زخم آن‌ها نخورده است. از خداوند بزرگ بترسند و بی‌دلیل و به‌خاطر دنیا و حفظ موقعیت و مقام و یا رسیدن به میز و صندلی قدرت، حق را پایمال نکنند و با آبرو و حیثیت افراد بازی نمایند.

همه مسئولین و دست‌اندرکاران و علاقه‌مندان به فوتبال باید طوری رفتار نمایند تا از خود نام نیک به یادگار بگذارند. با گذشت بیش‌از چهار سال هنوز هم وقتی اسمی از "حبیب نجفلو" به میان می‌آید به احترام‌اش به پا می‌خیزند و کلاه از سر برمی‌دارند. او را معمار بزرگ فوتبال اردبیل می‌دانند و برایش هورا می‌کشند و چنین است یاد کردن از دیگر خدمت‌گزاران فوتبال چون "مالک بابک"، محمود نوری، مسعود هوشمندی و... پس برای ریاست و برای دیده شدن‌ها و برای چند صباحی چهره شدن به آینده جوانان منطقه آسیب نزنیم و منافع جمع را فدای خواسته‌های شخصی و هوای نفسانی نکنیم.

اجرای برنامه‌های پرمحتوا و حرکت رو به جلو فوتبال از اهمیت زیادی دارد. کسانی که با فوتبال زندگی کرده و با موفقیت آن خنده بر لبان‌شان نقش بسته و با شکست‌هایش گریه کرده‌اند منافع آن را با چیز دیگری معامله نمی‌کنند. ده‌ها عنوان دهان‌پرکن در فوتبال را فدای یک گام به جلو آن می‌کنند. اگر واقعاً توان و قصد خدمت به آن را نداریم، نه برای به دست آوردن مسئولیت‌اش تلاش بکنیم و نه برای استمرار ریاست‌اش بکوشیم. فوتبال حق‌الناس است و باید از ضربه زدن به آن واهمه داشته باشیم و از فردای خود بترسیم.

و خدا را شاکر و سپاس‌گزارم که تا آنجا که در توان داشتم به سهم خود برای فوتبال منطقه ادای وظیفه کرده‌ام. زیر بار منت کسی نرفته و سربلندی و سرافرازی فوتبال را بر هر بحث دیگری وقدم داشته‌ام.

□ نه بر شتری سوارم، نه چو خر به زیر بارم

نه خداوند رعیت نه غلام شهریارم